

ارزشیابی مفاهیم دینی و کودکان زیر هفت سال



لیلا ولی زاده

کارشناس ارشد پیش از دبستان

نهاد بشر

برطبق آموزه‌های دین اسلام، اعتقاد بر این است که مجموعه مفاهیم و آموزه‌های اعتقادی اموری هستند که در سرشت اولیه و دست‌نخورده کودک و به تعبیر قرآنی در فطرت او به ودیعه نهاده شده است.

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا
فَطَرَتِ اللَّهُ التِّي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا
تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم/۳۰)

«به یکتاپرستی روی به دین آور. فطرتی است که خدا همه را بدان فطرت آفریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست. دین پاک و پایدار این است. ولی بیش تر مردم نمی‌دانند.» از فطری بودن مفاهیم اعتقادی در نهاد بشر درمی‌یابیم که پیش از هر نوع آموزشی، کشش به سوی دین، خدا و معاد در نهاد کودک وجود دارد که باید پرورش یابد و شکوفاشود.

کودکان تا زمانی که به دوره بزرگسالی منتقل نشده‌اند؛ بهترین و مساعدترین موقعیت را برای پرورش حس دینی، باورها و اعتقادات مذهبی دارند (کریمی، ۱۳۸۲). بر این اساس، آموزش مفاهیم دینی با استفاده از شیوه‌ها و اصول آموزش مفاهیم به کودکان، به‌رغم اعتقاد کسانی که آن را در سنین کودکی مناسب نمی‌دانند، ممکن و اجراشدنی است. در آموزش مفاهیم دینی به کودکان هدف هرگز افزودن مطالبی بیرون از وجود کودک نیست، بلکه هدف اعطای بینش و آگاهی یا به عبارتی، رشد و شکوفاسازی اموری است که در سرشت کودک نهاده شده است



کلیدواژه‌ها: مفاهیم دینی، آموزش قرآن، تربیت دینی.

و فطرت اوست. به همین دلیل، در آموزش و انتقال مفاهیم و آموزه‌های مبتنی بر فطرت، دیگر جایی برای سخت‌گیری، تحمیل عقیده و تقلید کور کورانه باقی نمی‌ماند.

پی بردن به معنی و مفهوم دین و مسأله نیاز انسان را به دین نمی‌توان از جمله مفاهیم دینی مورد نیاز برای کودکان دانست. در این محدوده سنی، آنان به طرح چنین مباحثی علاقه و نیاز ندارند و بحث از آن‌ها را باید به آموزش‌های رسمی در مدرسه موکول کرد، البته چون لفظ دین خواه‌ناخواه به کار برده می‌شود، در حد بیان یک معنای ساده از آن می‌توان بسنده کرد تا کودکان کلمات و واژه‌ها را بدون دانستن معانی آن‌ها استفاده نکنند، مانند این تعریف که «دین همان کارهایی است که خدا به ما گفته است انجام دهیم یا انجام ندهیم. مثل این که راستگو باشیم، به پدر و مادر و مربی خود احترام بگذاریم، نماز بخوانیم و دیگر مصادیق ساده‌ای که به‌عنوان دستورهای دینی برای کودکان بیان می‌شود.» (باهنر ۱۳۸۳)

دین کودکان

در حقیقت، دین کودکانه مجموعه دگرگونی‌هایی است که بر ضوابط دینی متکی هستند و در فکر کودک به‌منظور ایجاد عمل و رفتاری خاص انجام می‌شود. به عبارت دیگر، در سایه دگرگونی‌هایی که در فکر و رفتار کودکان ایجاد می‌شود، اخلاق، عادات، آداب و رفتار، روابط فردی و اجتماعی او صورت شرعی می‌گیرند.

بر این اساس کمک به رشد دینی کودک به‌منظور ایجاد سلامت معنوی در او در ارتباط متقابل با دیگر جنبه‌های رشد صورت می‌گیرد. رشد دینی و سایر جنبه‌های رشد (جسمی، شناختی، عاطفی، اجتماعی، گفتاری، زیبایی‌شناختی و خلاقیت) امری تدریجی است که در دوره‌هایی از زندگی سرعت بیش‌تر و کیفیت پیچیده‌تری پیدا می‌کند. رشد همه‌جانبه فرایندی مداوم، تراکمی، انعطاف‌پذیر و تغییرپذیر است، حالتی کلی دارد و با تفاوت‌های فردی همراه

است و در اوضاع اجتماعی فرهنگی هر فرد شکل می‌گیرد. جنبه‌های اساسی رشد انسان، با رشد دینی او کاملاً ارتباط دارد. از آن‌جا که برنامه‌ها و فعالیت‌های کودکان زیر هفت سال «رشدمحور» است و نه «موضوع‌محور»، بنابراین ارزشیابی غیررسمی مداوم کودک براساس هدف‌های رشدی اساساً لازم است؛ و باید این سه خصوصیت را داشته باشد:

- به صورت انفرادی شامل همه جنبه‌های رشد (شناختی، عاطفی، جسمی، اجتماعی، گفتاری، زیبایی‌شناختی و خلاقیت)
- از طریق مشاهده رفتار کودک، به صورت مداوم و دوره‌ای.
- ارزشیابی براساس فعالیت‌ها و برنامه‌های مربوط به آن دوره خاص (مفیدی، ۱۳۸۵).

در ارزشیابی مفاهیم دینی به‌ویژه آموزش قرآن برای کودکان، باید توجه داشت که رسیدن به حد معینی از یادگیری محتوای آموزشی مدنظر نیست، بلکه دستیابی کودک به هر میزان از یادگیری محتوای ارائه‌شده مطلوب و مقبول است. این مهم باید مورد توجه مربیان قرار گیرد. (مصوب شورای قرآن سازمان پژوهش)

لیکن صاحب‌نظران درباره قلمروهای ذیل اجماع دارند:

- علاقه به شنیدن قرائت آیات قرآن کریم.
- علاقه به حفظ برخی آیات و سوره‌های کوتاه قرآن کریم.
- علاقه به شرکت در همخوانی آیات و سوره‌های کوتاه قرآن کریم.
- سعی در تقلید قرائت زیبای قرآن کریم.
- آشنایی و عمل به برخی از آموزه‌های قرآنی.
- علاقه به شنیدن برخی از داستان‌های قرآنی.
- علاقه به فراگیری نحوه خواندن قرآن کریم (فعالیت‌های دوره پیش از دبستان، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۸)
- علاقه به انجام اعمال عبادی و مراسم دینی.

از این‌رو، در ارزشیابی مفاهیم دینی ارائه‌شده به کودکان می‌بایست سطح عمومی را در نظر بگیریم نه سطح تخصصی؛ همه کودکان نمی‌خواهند قهرمان یا هنرمند

شوند و در سطح جهانی بدرخشند؛ باید بخشی عمومی و بخشی اختصاصی تعریف کنیم. عمومی برای همه افراد براساس میزان توانمندی‌هایشان. اختصاصی برای افرادی که توانمندی خاصی دارند و باید تحت آموزش‌های ویژه قرار گیرند. در تدوین محتوای مفاهیم دینی،

می‌بایست مطالب را طوری طراحی کرد که تمام کودکان توان درک آن را داشته باشند، اما اگر کودکی بتواند

کل قرآن را حفظ کند، بدیهی است که باید تحت آموزش و برنامه‌هایی خاص با محتوای ویژه قرار گیرد.

هم‌چنین، در ارزشیابی آموخته‌های دینی کودکان می‌بایست به این مسأله توجه کرد که شستن دست قبل و بعد از غذا، استفاده درست و به‌اندازه از نعمت‌های خداوند مهربان، مسواک زدن، کمک به دوستان، خواندن دعا و راز و نیاز با خداوند مهربان قبل از شروع کارهای روزمره، محبت و احترام به والدین و... جزء آموزه‌های زیبای دین اسلام است. لذا اختصاص ارزشیابی از عملکرد کودکان به خواندن قرآن و انجام اعمال عبادی و فراموش کردن آن در دیگر برنامه‌ها نادرست است و کارکردهای اصلی دین را برای تربیت کودکان از بین خواهد برد. لیکن توجه به نکات زیر نیز می‌بایست مد نظر قرار گیرد:

- وضعیت بومی و فرهنگی.
- میزان تقید و عمل به فرائض دینی در محیط خانواده کودک.
- تفاوت‌های فردی بین کودکان و پرهیز از شیوه‌های اضطراب‌آور و مقایسه عملکرد آنان.
- تجربه‌های خارج از محیط آموزشی و میزان شرکت آن‌ها در مراسم عبادی گروهی.
- لازم به ذکر است طبق تعریف ارزشیابی در کتاب‌های مرجع (به‌ویژه روان‌شناسی

دین

کودکانه، مجموعه

دگرگونی‌هایی است که بر ضوابط دینی متکی هستند و در فکر کودک به‌منظور ایجاد عمل و رفتاری خاص انجام می‌شود



۲۹

رشد آموزش پیش‌دبستانی
دوره سوم، شماره ۳
بهار ۱۳۹۱



هدف اصلی در دوره پیش دبستان ایجاد علاقه، انس و آشنایی کودکان با خداوند مهربان، قرآن مجید، معصومین (ع)، انجام دادن اعمال عبادی و سایر مفاهیم دینی قابل درک برای آنان است

یادگیری، علی اکبر سیف، ۱۳۸۴)، منظور از ارزشیابی سنجش عملکرد یادگیرندگان و مقایسه نتایج حاصل با هدف‌های آموزشی از پیش تعیین شده در جهت تصمیم‌گیری در این خصوص است که آیا فعالیت‌های آموزشی مربی و کوشش‌های یادگیرندگان به نتایج مطلوب رسیده است و این نتایج چه میزان بوده است. از این تعریف معلوم می‌شود که ارزشیابی آموزشی مستلزم دو اقدام اساسی است: ۱. تعیین هدف‌های آموزشی و ۲. سنجش و اندازه‌گیری عملکرد یادگیرندگان. با توجه به ضرورت ارزشیابی کودکان بر اساس اصول رشد محوری سنجش و اندازه‌گیری عملکرد کودکان باید با مشاهده تغییراتی انجام شود که در رفتار کودک به وجود می‌آید. برای روشن شدن این مطلب به نمونه‌ای اشاره می‌شود:

مربی به کودکان یاد می‌دهد که به محض ورود به مکانی می‌بایست به حاضران سلام کنند. مربی برای سنجش عملکرد کودک هم می‌تواند از او بپرسد که «به محض ورود به مکانی و روبه‌رو شدن با حاضران در آن‌جا چه کار باید انجام داد؟» یا این که «مربی به صورت کاملاً غیر محسوس کودک را زیر نظر می‌گیرد که آیا به محض ورود به مکانی به حاضران سلام می‌کند یا نه؟» شیوه اول موضوع محور و شیوه دوم رشد محور است. بر این اساس و تعریف‌های بالا از مربی انتظار می‌رود که ابتدا از شیوه موضوع محور برای تکرار مطلب آموزشی بهره بگیرد و سپس از شیوه رشد محور استفاده کند و عملکرد کودکان را بر اساس تغییر رفتار آنان ثبت کند و در نهایت مجموع مشاهدات ثبت شده را به عنوان عملکرد کودک پس از اجرای فعالیت‌های آموزشی اعلام کند.

هدف‌های آموزش و یادگیری

در رابطه با هدف‌های آموزشی باید به این نکته اشاره کرد که به طور کلی هدف‌های آموزشی و یادگیری را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: ۱. هدف‌هایی که به دانستن درباره امور مربوط می‌شوند، برای مثال کودک بداند که باید بعد از غذا خوردن از خداوند مهربان تشکر کند و ۲. هدف‌هایی که به توانایی و نحوه انجام دادن امور یا اعمال مربوط می‌شوند، مثلاً کودک بتواند بعد از غذا خوردن خداوند مهربان را شکر کند.

البته توجه به برخی ظرافت‌ها و تکنیک‌های ارزشیابی از عملکرد کودکان می‌تواند مربی را در رسیدن به اهداف یاری کند:

- بهبود کیفیت یاددهی - یادگیری و شناسایی ضعف‌ها و کاستی‌ها هدف اصلی ارزشیابی است.
- ارزشیابی ابزاری است در جهت خدمت به آموزش و فرصتی برای تقویت آموخته‌ها.
- ارزشیابی از شیوه رشد محور به طور غیرمستقیم و بدون آگاهی کودک بیش‌تر مدنظر است.
- تهیه و تنظیم یک دفتر به منظور ثبت عملکرد کودک و مشاهدات ضرورت دارد. (دفتر ثبت گزارش عبارتست از: بیان توضیحاتی از مراحل رشد همه‌جانبه کودک و مهارت‌های کسب شده در دوره زمانی معین است که مربی آن‌ها را تهیه و نگهداری می‌کند. به عبارت دیگر، گزارش توصیفی از مشاهده کودک در موقعیت‌های مختلف است که مربی می‌تواند آن‌ها را در پوشه مشخصات و عملکرد کودک نگه دارد).
- ارزشیابی عملکرد کودک در موقعیت‌های مختلف بعد از انجام دادن فعالیت‌ها توصیه می‌شود.
- ارزشیابی مطالب از ساده به مشکل باشد.
- ارزشیابی مطالب از موارد مورد علاقه کودک شروع شود.
- بازخورد سریع به نتیجه ارزشیابی از عملکرد کودک، به خود کودک داده شود. (بازخورد مثبت و منظم، بخش ارزشمند فرآیند یاددهی

- یادگیری است و به کودکان کمک می‌کند تا از میزان یادگیری خود آگاه شوند).

- در ارزشیابی، فعالیت‌های پر حجم به مجموعه‌ای از فعالیت‌های کوچک تقسیم شود.
- کودک برای انجام دادن فعالیت‌ها فرصت دوباره داشته باشد.
- از رسیدن به حدود انتظارات با توجه به توان و علاقه کودکان اطمینان حاصل شود.
- جایزه در نظر گرفته شده با حجم کار و درصد موفقیت کودک تناسب داشته باشد.
- از اهداء جوایز بدون دلیل و مکرر خودداری شود.
- نتایج ارزیابی از عملکرد کودک به والدین بازخورد داده شود.

لازم به ذکر است؛ هدف اصلی در این دوره ایجاد علاقه، انس و آشنایی کودکان با خداوند مهربان، قرآن مجید، معصومین (ع)، انجام دادن اعمال عبادی و سایر مفاهیم دینی قابل درک برای آنان است. علاوه بر آن باید توجه کرد که هدف ما از پرورش دینی کودکان زیر هفت سال رساندن آنان به حد مورد نیاز و متناسب با توانایی جسمی، ذهنی و... برای این گروه سنی است و دستیابی کامل پرورش یابندگان به بالاترین سطح اهداف تعلیم و تربیت اسلامی به دوران آموزش رسمی موکول می‌شود. لذا در این مقطع سنی آشنا کردن و ایجاد تعلق خاطر در کودکان نسبت به مفاهیم دینی مدنظر است.

منابع

۱. قرآن مجید
۲. باهنر، ناصر. آموزش مفاهیم دینی همگام با روانشناسی رشد، ۱۳۸۳.
۳. سیف، علی اکبر. روانشناسی یادگیری، ۱۳۸۴.
۴. کریمی، عبدالعظیم. نکته‌های روان‌شناختی در تربیت دینی فرزندان، ۱۳۸۲.
۵. وینتاکول. ترجمه فرخنده مفیدی. برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، ۱۳۸۵.
۶. ولی‌زاده، لیلا. اهداف و روش‌های تعلیم و تربیت دوره کودکی در قرآن و سیره نبوی، ۱۳۸۶.
۷. فعالیت‌های دوره پیش از دبستان، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۸.